

نشر معاصر در راه تهذیب

از پروین گنابادی



مرحوم علامه قزوینی

اگرچه در قدیمترین نمونه‌های نشریاری نویسنده‌گان از آوردن شعرهای تازی و حدیثها و آیه‌های قرآن بعنوان تأیید موضوع یا آرایش سخن و نیز از بکار بردن لغت‌های تازی خودداری نمی‌کردند، لیکن با بررسی دقیق نوشته‌های پیش از مغول این واقعیت روشن می‌شود که نویسندگان آن روزگار در نگهبانی زبان پارسی از نفوذ زیانبخش قاعده‌های سرف و نحو تازی کوششی بسزا داشته‌اند چنانکه در نوشته‌های بلعمی و بیهقی و نصر بن العین عبدالحمید مؤلف کلیله و دمنه، بندرت به کلمه‌های تنوین دار چون: اتفاقاً - نسبتاً، حقیقتاً، واقعاً، عمداً و جز اینها بر می‌خوریم. آنها بدین اصل توجه داشته‌اند که داخل شدن واژه‌های بیگانه در زبان نه تنها زیانی بدان نمی‌رساند، بلکه مایهٔ وسعت و توانگری آنهم می‌گردد. و باز بدین واقعیت هم واقف بوده‌اند که آنچه به استقلال و موجودیت یک زبان زیانهای جبران ناپذیر می‌رساند، رخنه کردن خصوصیت‌های صرف و نحوی یادستوری بیگانگان است. ازینرو و هشویه‌ای در نوشتن پارسی برگزیده بودند که خصوصیت‌های یاد کرده را فرو می‌گذاشتند و از بکار بردن آنها پرهیز می‌کردند از آن جمله کلمه‌های تنوین دار کمتر بکار می‌بردند، زیرا این حرکت در الفبای فارسی نیست و بر حسب تقیمی که نگارنده کرده‌ام در سراسر کتاب کلیله و دمنه یکسوی کلمه تنوین دار بیش نیست که در ضمن عبارتهای فارسی آنها را بکار برده است و یکی از آنها کلمه‌ی متداول «مثلاً» است.

همچنین در نشر استادان یاد کرده کمتر بر کلمه‌های تثنیه که در زبان فارسی علامتی ندارد بر می‌خوریم و نظیر: طرفین، جانبین، حاجبین، نورین، والدین، نیرین را بندرت بکار می‌برده‌اند.

آنها چون میدانستند که نای مدورتازی بصورت «ت» یا «ة» در الفبای پارسی یافت نمی‌شود، کلمه‌های تازی را که دارای این حرف بودند یا به صورت نای کشیده چون: حقیقت، مملکت، جهت، مرحمت مینوشتند و یا آنها را در زمره کلمه‌های مشتوم به‌های مخفی که در فارسی همانندهای فراوان دارند می‌شمردند، مانند: قوه، بنیه، حیل و جز اینها.

همچنین بر عکس متاخران جمع‌های عربی کمتر بکار می‌بردند و کلمه‌های تازی را به‌پارسی جمع می‌نوشتند و بجای: کتب حقایق - مکانب - مکانیب - مصائب - علما - امرا - شعرا - وزرا - معلمین - متقدمین - مدرسین - حادثات - اتفاقات - کنایات - حقیقت‌ها - مکتبها - مکتوبها - مصیبت‌ها - عالمان - امیران - شاعران - وزیران - معلمان - متقدمان - مدرسان -

حادثه‌ها - اتفاقها و واقعه‌ها بکار می‌بردند و ازینراه نمی گذاشتند قاعده های صرف تازی در زبان مادری آنان رخنه کند و اساس آنرا متزلزل سازد در زبان معاصر نیز بسیاری از نویسندگان و گویندگان بتازگی این شیوه را پسندیده و برگزیده اند. نویسندگانی که در دوره ی مغول و پس از آن بهین تقلید ناروایی دست یازیده بودند تیشه بریشه ی زبان پارسی میزدند زیرا هر قومی که کلمه ی بیگانه را می پذیرد نخست آنرا موافق لهجه ی خود تغییر میدهد و آنکام قاعده های صرف و نحوی زبان مادری خویش را در باره ی آن اجرا میکند چنانکه تازیان کلمه ی «استاد» را که از پارسی گرفته اند هرگز به «آن» جمع نمی بندند بلکه آنرا بشیوه ی جمع زبان خود «استاید» بکار می‌برند و بسیار نارواست که پارسی زبانان بجای «استادان» «استاید» برگزینند. همچنین آنها هرگز «مارستان» «برنامه» «بنفشه» و «پسته» را که از پارسی گرفته اند به (ها) جمع نمی بندند بلکه نخست برخی از آنها را از لحاظ حرفه ای که در لهجه ی خود ندارند تغییر میدهند و برنامها به «برنامج» و بنفشه به «بنفشج» و پسته را به «فستق» تبدیل می کنند و آنکام آنهارا به «ات» جمع می بندند یا اگر قاعده ایجاب کند جمع مکرر را در باره ی آنها مکرر می آورند بسیاری از نویسندگان معاصر نکته های یاد کرده و بیسی از نکته های را که در آینه بدانها اشاره خواهد شده بیروی از استادان نثر نویس پیش از مغول وهم به منظور تهذیب زبان فارسی و نکهایی آن از دستبرد زبانهای بیگانه در نظر میگیرند و میکوشند نثر معاصر در راه تهذیب در آید و از قاعده های دستوری بیگانه که دیرزمانی است بدان راه یافته است تصفیه شود و به شاهرآه تکامل نزدیک گردد و این یکی از هدفهایی است که در شماره ی پیش یاد آور شد و هم اکنون نثر معاصر آنرا دنبال می کند. نکته ی قابل توجه این است که در دوره های پیش از مغول هم اندیشه های ملی و ضد تازی در میان شاعران و نویسندگان و بسیاری از سرداران ایرانی پدید آمده و در حال رشد بود و ایرانیان اگر چه مسلمانی گزیده بودند اما به سنت های باستانی خویش همچون: زبان و جشنها و دیگر آئینها و رسمهای نیاگان دلستکی داشتند.

امروز هم که اندیشه های استقلال طلبی و ملی بویژه در خاور زمین باشتاب هر چه بیشتر رشد میکند و گسترش می یابد، تصادفی نیست که چنین هدفی سرلوحه ی مرام نویسندگان معاصر ایران باشد. یکی دیگر از نکته ها آنکه نویسندگان پیش از مغول بدان توجه داشتند و در نثر معاصر نیز دنبال میشود، خودداری از آوردن کلمه های «الف و لام دار» است که رواج یافتن آنها زبان فراوان به استقلال زبان پارسی میزدند زیرا در زبان پارسی کلمه ی بنام حرف تعریف وجود ندارد که پیش از نام آورده شود بهمین سبب در نوشته های متقدمان پیش از مغول به چنین کلمه هایی کمتر بر میخوریم: بدیع الجمال - مقضی المرام - لازم الامثال - لازم الرعایة - واجب الاحترام - مع الوصف زاید الوصف - بوجه من الوجوه - علی العجالة - علی اسرع الحال - علی العمیاء - علی السویه - فی الحال - فی الجملة - فی الفور - فی المثل - و صدها گونه ترکیب دیگر که در دوره ی مغول و صفویه و تا پیش از مشروطه متداول بود.

در نثر معاصر هنوز هم شماره ی اندکی از اینگونه ترکیبها مانند: سابق الذکر - اخیر الذکر - بالجملة - فوق العاده - خارق العاده و کلمه های غلط: بالاخره و فوق الذکر و جزاینها بجای مانده است که بیشک با توجه خاص نویسندگان درست نویس این چند کلمه هم بزودی از میان خواهد رفت چنانکه بسیاری از نویسندگان معاصر بجای کلمه غلط «بالاخره» سرانجام یا باری بکار میبرند و کلمه «فوق الذکر» را نیز از هنگامیکه مرحوم فروزینی در باره ی آن این شرح را نوشتند کمتر بکار میبرند:

«تعبیر «فوق الذکر» که در مرقومه کریمه بجای «سابق - الذکر» یا «مذکور در فوق» مرقوم داشته بودید لابد طفیان قلم و من غیر التفات به غلط بودن این تعبیر بوده که این اواخر غلط بسیار مشهوری شده است و حال آنکه غلط بسیار فاحشی است. البته در تالیفی که انشاء الله با تمام آن عنقریب موفق خواهید شد از استعمال این تعبیر سخیف و غلط واضح بکلی و با کمال مواظبت احتراز خواهید فرمود». (از مقدمه کتاب مینو در

ص ۴) تاریخ نامه ی مرحوم فروزینی درین باره ۲۵ آذر ۱۳۲۴ یعنی ۱۵ سال پیش است و تردیدی نیست با تحول سریعی که در نثر پارسی معاصر روی داده است تاکنون بسی از نویسندگان جهان دریافته اند که بکار بردن «سابق الذکر» هم بعلت داشتن الف و لام چندان خوش آیند نیست و شاید «مذکور در فوق» را بر آن ترجیح دهند. گذشته ازین در نثر معاصر تغییراتی چون: «مرقومه کریمه» هم اکنون متروک شده است زیرا آوردن صفت مؤنث برای موصوف مؤنث در زبان فارسی که نه علامت مذکر و مؤنث دارد و نه صفت با موصوف مطابقه میکند، یکی از نکته هایی است که معاصران از بکار بردن آن خودداری میکنند و آنرا تقلید ناروایی از خصوصیت های صرف و نحوی تازی میدانند (که درین باره باز هم گفتگو خواهد شد). باری کلمه های الف و لام دار رفته از نثر معاصر رخت بر می بست ولی یکباره دیده شد در برخی از کتاب هایی که از زبان های اروپایی بفارسی ترجمه شده است بعضی از نامها را که سالیان دراز در کتابهای فارسی بی الف و لام بکار می رفته است به تقلید بیگانگان با الف و لام آورده اند مانند: المیرونی - الفزالی - القبادی - الطوسی و جزاینها در صورتیکه چنین شیوه ی در پارسی درست نیست زیرا اگر فرانسویان نیز مانند «ال» عربی حرف تعریفی بصورت (LE) و (LA) دارند و هیچ نامی از آن بکار نمیبرند و ازینرو کلمه های «الکحول» و «الجبر» و همانند های آنها را با همان الف و لام گرفته و بصورت «الکل» و «الزبر» در آورده اند. فارسی زبانان که چنین حرف تعریفی ندارند نمیتوانند بتقلید آنان همه کلمه های عربی را با الف و لام بکار برند و در مثل بجای: کتاب و درس و مدرسه بگویند: الکتاب، الدرس، المدرسه، یا نامهای نامورانی چون: بیرونی و فزالی و خپام را با الف و لام بکار برند!

راست است که برخی از کلمه های الف و لام دار تازی آنچنان با همان الف و لام متداول شده اند که اگر الف و لام را از اول آنها حذف کنیم مفهوم نخستین خود را بکلی از دست میدهند. مانند: «الان» که اگر «ال» را برداریم کلمه ی «آن» آن مفهوم را نمی رساند ولی اینگونه کلمه های نادر بهیچ وجه نمی توانند مجوزی باشند که در همه موارد «الف و لام» کلمه ی عربی را همچنان حفظ کنیم و آنها را بی الف و لام بکار نبریم بلکه اصل در زبان پارسی حذف «ال» از اول کلمه تازیت تا هم رنگ زبان پارسی گردد.

وقتی حال نویسندگان معاصر از لحاظ تصفیه ی زبان پارسی از نفوذ خصوصیتهای صرف و نحوی بیگانگان بی تردید از بکار بردن کلمه های الف و لام دار قاطعاً امکان خودداری میکنند بویژه که در برخی ازین ترکیبها غلط هایی هم رخ میدهد مانند: عاقبة الامر - علة العلیل - حجة الحق - حشمت الملك و همانند های آنها که اگر بصورت عاقبت الامر - علت العلیل - حجت الحق و حشمت الملك نوشته شوند آنها را غلط می شمارند و میگویند با بودن الف و لام که ترکیب عربی است تبدیل (ة) به (ت) روا نیست.

و نیز اغلب بالجملة و بالعکس و بالاخره: «بالجملة» - بالعکس - بالاخره» مینویسند و گرفتاران نقاد خرده گیران میشوند در صورتیکه اگر بجای آنها در جمله - بعکس یا برعکس و سرانجام بکار برند هم از رخنه کردن خصوصیتهای صرف و نحوی بیگانه پیش گیری خواهند کرد و هم خود را از چنگال غلط گیران رها خواهند ساخت.

## بلندترین پیاده روی متحرک در استرالیا ساخته میشود

بلندترین پیاده روی متحرک دنیا هم اکنون در سیدنی پایتخت استرالیا توسط یک شرکت بزرگ سوئدی در دست تهیه است که دو طرفه میباشد درازای آن ۷۰۰ پا و ظرفیت آن ۶۰۰ نفر در دقیقه و سرعت آن یک و نیم میل در ساعت است.